



سی و سومین سالگرد قیام بهمن ۱۳۵۷ و چهل و یکمین سالگرد حماسه سیاهکل

از هنگامیکه چریکهای فدایی خلق ایران دلاورانه به پاسگاه ژاندارمری سیاهکل حمله ور شدند و ضربت نیرومندی بر پیکر رژیم شاهنشاهی ایران وارد ساختند چهل و یکسال می گذرد. در آن هنگامه تاریخی نبود قهرآمیز فدائیان خلق بر علیه رژیم دیکتاتوری شاه سرآغاز جنبش نوین کمونیستی ایران شد و شور مبارزه بر علیه استبداد سلطنتی را در افشار مختلف اجتماعی برانگیخت.

در بهمن ماه ۱۳۵۷ خیزش سراسری توده های مردم به اوج رسید و در شرایطی که کارگران ، زنان، دانشجویان ، دانش آموزان و عموم زحمتکشان ایران با انگیزه استقرار دموکراسی ، رژیم سلطنتی را ساقط کردند قیام باشکوه آنان به پیروزی نیمه کاره مبدل شد. رژیم شاه سرنگون شد ولی تمام ارگانهای سرکوبگر قبلی در یک زدوبند پنهانی بین امپریالیسم آمریکا و آیت الله خمینی دست نخورده به حاکمان جدید سپرده شد تا آنان بتدریج حکومت مطلقه مذهبی خود را برقرار سازند.

پس از روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی ایران به همان نسبتی که فشار بر طبقه کارگر ، زنان، دانشجویان ، خلقهای تحت ستم و عموم مردم ایران وارد گردید، بتدریج آزادیهای بدست آمده از آنان باز ستانده شد. اعتصابهای سراسری کارگری ، دانشجویی و عمومی مردم که نقش اصلی را در سرنگونی رژیم شاه ایفاء نمود، بلافاصله در حکومت اسلامی منسوخ گردید و شورشهای آزادیخواهانه خلقهای تحت ستم از کردستان تا ترکمن صحرا و از آذربایجان تا بلوچستان سرکوب شد.

با وجودیکه رژیم جمهوری اسلامی ایران ابتدا جرأت نکرد تمام آزادیهای اجتماعی را بازستاند اما در قدم اول تمام سازمانهایی را که در سرنگونی رژیم شاه نقش جدی داشتند غیر قانونی اعلام کرد، رفته رفته تمام نهادهای برآمده از قیام ۵۷ را باپوشش و محتوی اسلامی به کنترل خود درآورد. کلیه وعده و وعیدهایی را که خمینی در جریان قیام مبنی بر شکوفایی اقتصادی و آزادیخواهی داده بود به فراموشی سپرد و قوانین جدیدی بدون انتخابات آزاد و مشارکت مردم وضع گردید. در تکمیل اهداف

ارتجاعی رژیم دیکتاتوری - مذهبی حاکم ، اجرای قوانین جدید به سرمایه داران بازار، احزاب اسلامی، نیروهای حزب الله ، باندهای سیاه حکومتی و دریک کلام چاکران و خادمان نوپای اسلامی سپرده شد.

طی سی و سه سال حکومت اسلامی جریانات مختلف مذهبی در سرکوب توده های مردم نقش آفرین بوده اند. اگرچه در جریان تصفیه های درونی بخشا از قدرت سیاسی کنارزده شدند. جریاناتی نظیر نهضت آزادی ، جریان «اصلاح طلب» به رهبری محمد خاتمی ویا «جنبش سبز» به رهبری میرحسین موسوی و کروی سالیان متمادی در زمره سرکوبگران بنام مردم ایران بوده اند. کیست که نداند میرحسین موسوی هشت سال نخست وزیر خمینی و از آمران و عاملان اصلی سرکوب نیروهای انقلابی در دهه شصت بوده است؟ کیست که نقش محمد خاتمی در بازرسی هفتگی از زندانهای رژیم و گزارش مستقیم آن به خمینی را از یاد برده باشد و هشت سال دوره ریاست جمهوری اش در دفاع از رژیم جمهوری اسلامی ایران را به فراموشی سپرده است؟ چه کسی می تواند سیطره ده ها ساله مهدی کروی بر مجلس رژیم و بنیاد پول آور مستضعفین و نقش آمرانه وی را در دوام و قوام این رژیم ضد بشری فراموش کند؟

از هنگامیکه جریانات فوق توسط جناح «اصولگرا» به رهبری خامنه ای از حکومت رانده شده اند ، دول غرب عناصر وابسته به آنان را در پناه خود مورد حمایت قرار داده ، بی مناسبت و با مناسبت از آنها بعنوان نیروی اپوزیسیون و آلترناتیو آینده ایران یاد می کنند. دولتهای امپریالیستی تلاش می کنند با در اختیار گذاردن وسایل ارتباط جمعی و سپردن تریبونهای بین المللی به فعالین سابق رژیم سلطنتی، «جنبش سبز» و طرفداران این طیف ، آنها را بعنوان اپوزیسیون اصلی در اذهان عموم معرفی کنند. همان سیاستی که در افغانستان به تأسیس «لوتی جرگه» انجامید و در کشورهای عربی تحت عنوان «بهار عربی» به اجرا درآمده است.

با وجودیکه هر روز بر وخامت اوضاع اقتصادی و اجتماعی مردم افزوده می گردد، درحالیکه اختلافات آشکار بین دوجناح «اصولگرا» به رهبری خامنه ای و احمدی نژاد می رود تا به یک ستیز رو در رو بیانجامد، در شرایطی که تحریمهای اقتصادی بر اوضاع نابسامان جامعه افزوده

است ، اما سران رژیم شرمی ندارند تا با اظهارات سخیفانه و بلند پروازیهای نظامی بخاطر دوام بیشتر حکومت اسلامی، ایران را به ورطه قحطی و بی چیزی بیشتر بکشانند.

تحرك چند هفته گذشته نیروی دریایی آمریکا در آبهای خلیج فارس و تنگه هرمز ثابت کرد، ادعاهای سران رژیم مبنی بر بستن تنگه هرمز و اعمال اقتدار در این خطه آبی بلوفی بیش نیست . هنگامیکه چهار هفته پیش ناوگان آمریکا بدون اجازه ایران از تنگه هرمز گذشت و برای چندمین بار به رفت و آمد در این آبراه پرداخت ، ابتدا سران رژیم با انتشار عکسی ، اعلام کردند « ما ناوگان آمریکا در خلیج فارس را تعقیب کردیم» ! و سپس از زبان فرماندهان سپاه پاسداران نظیر پاسدار سلامی جانشین فرمانده کل سپاه اعلام شد «حضور آمریکا در خلیج فارس تازگی ندارد»!؟

مصائبی که طی سی و سه سال حکومت اسلامی بر مردم ایران تحمیل شده است ما را و می دارد تا از پیروزیهای گذشته در برابر رژیم سلطنتی و شکستهای بعدی درس آموزیم. تجارب گذشته ثابت کرده است بدون مشارکت عملی کارگران و عموم زحمتکشان ایران حکومت دیکتاتوری ساقط نخواهد شد. تنها مبارزه مشترک و میلیونی توده مردم است که می تواند ارکانهای اقتصادی - سیاسی و نظامی رژیم را درهم شکند و سران رژیم را به تسلیم وادارد. تجربه فروپاشی رژیم پهلوی ثابت می کند کاهش قدرت حکومتی و یا کنار نهادن رهبران رژیم کافی نیست. مادامکه نهادهای سرکوبگر رژیم نظیر سپاه پاسداران ، بسیج ، ارتش ، پلیس ، دستگاه اطلاعات و بوروکراسی منهدم نشده است ، این نهادهای ضد مردمی در اختیار هر حکومت جدیدی قرار گیرد باز هم برای بازستاندن دست آوردهای انقلاب مورد بهره برداری قرار خواهد گرفت. به کف آوردن دموکراسی و آزادی فقط با واژگون کردن تمام ارگانهای سرکوبگر رژیم و انتقال آن به مردم میسر است. دنیای غرب به شدت مخالف این سیاست است و ترجیح می دهد فقط دیکتاتورها را عوض کند. سیاستی که اکنون دولتهای غرب در باره ایران پیش گرفته اند تکرار سناریوی گذشته است. آنها در نظر دارند عناصری نظیر احمدی نژاد و خامنه ای را کنار بزنند، آنگاه با کمک رسانه های تبلیغاتی و فریب اذهان مردم، مهره های مذهبی دیگری را با ترکیبی از عناصر سلطنت طلب و لیبرال به مردم ایران تحمیل کنند.

تجارب عینی مبارزات سه دهه گذشته ثابت می کند افزایش وخامت روزافزون سیاسی - اجتماعی مردم کفاره عدم سرنوینی کامل رژیم سلطنتی گذشته است. این ضعف انقلاب گذشته بوده

که رژیم پهلوی بطور تام وتمام سرنگون نشد و اکنون تاوان گرانبار آنرا با تحمل یک رژیم دیکتاتوری - مذهبی می پردازیم. استبداد مذهبی حاکم تاکنون به حد کافی مردم را در تنگنا قرار داده و آنرا بر علیه خود شورانده است. از اینرودرک مردم از حکومت مطلقه مذهبی و مخالفت آنان کاملاً آگاهانه است. در چنین وضعیتی نیروهای انقلابی و مبارز وظیفه مندند تا آنرا به سوی یک فروپاشی کامل و استقرار یک حکومت مردمی سوق دهند.

در سالهای گذشته بلندگوهای غرب و جریانات رانده شده از حکومت تلاش دارند و انمود سازند همه مردم ایران بطور یکسانی برای یک نوع آزادی تلاش می کنند، همه مردم فقط خواستار برکناری حاکمان فعلی می باشند، درحالیکه چنین نیست. مروری هرچند کوتاه بر گذشته و عملکرد جریانات مدعی دمکراسی این مه غلیظ را کنار می زند و عکس این ادعا را ثابت می کند. اظهارات آشکار و مساعی سران «جنبش سبز» و «اصلاح طلب» در مورد حفظ رژیم جمهوری اسلامی و حتی ولایت فقیه نوع «آزادیخواهی» آنها را که چندان تفاوتی با رژیم فعلی ندارد ثابت می کند. مطالبات سلطنت طلبان و نوع حکومتی را که آنان با کمک و پشتیبانی امپریالیستها برای آینده ایران در نظر گرفته اند نوع دیگری از «دمکراسی خواهی» آنرا معرفی می کند. درحالیکه سرسختی طرفداران طبقه کارگر و عموم زحمتکشان ایران برای واژگونی رژیم حاکم و انهدام ماشین دولتی نوع دیگری از دمکراسی را جانبداری می کند. از اینرو با توجه به واقعیتها، نیروهای انقلابی و دمکرات لزوماً بایستی متحد شوند و در برابر جریاناتی که آشکارا تلاش دارند با کمک دول امپریالیستی مسیر مبارزات مردم را به کجراه بکشانند ایستادگی کنند.

مخالفتهای فزاینده مردم با تداوم رژیم جمهوری اسلامی از یکسو، گسترش بحران سیاسی - اقتصادی، دزدیهای سه هزار میلیاردی، فرار دست اندرکاران رژیم و تهدیدهای ناشی از حمله خارجی به مراکز هسته ای از سوی دیگر، سران رژیم را بیش از پیش در مقابل یکدیگر قرار داده است. سردمداران رژیم می کوشند با عمده کردن مسائل خارجی و دخالت در امور کشورهای عربی ضعف داخلی خود را بیوشانند. درحالیکه احمدی نژاد رهبر را نفی می کند و ادعا می کند در انتخابات پیش رو تکلیف انقلاب را روشن می کند، خامنه ای ناتوان از کنار زدن احمدی نژاد منتظر است تا هنگام انتخابات بهانه ای برای حذف رقیب پیدا کند. آنچه کاملاً آشکار است، این انتخابات به هر

کیفیتی انجام شود و برنده آن هر جناحی از حکومت اعلام شود، مردم هیچگونه نقش و منافعی در آن ندارند. از اینرو تحریم انتخابات فرمایشی پیش رو تنها برخورد اصولی است که می تواند به جهانیان ثابت کند این رژیم هیچگونه پایگاهی در میان مردم ایران ندارد و تنها راه نجات از این وضعیت فلاکت بار سرنگونی تام و تمام آن است.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران
برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق
گرامی باد خاطره رفقای رزمنده قیام و سیاهکل
زنده باد سوسیالیسم
سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
۱۹ بهمن ۱۳۹۰ - ۸ فوریه ۲۰۱۲

A.C.P- Postfach 12 02 06-60115 Frankfurt am Main-Germany-Fax: 00-49-221-170 490 21

Web Site: <http://www.iranian-fedaii.de> E-Mail: organisation@iranian-fedaii.de